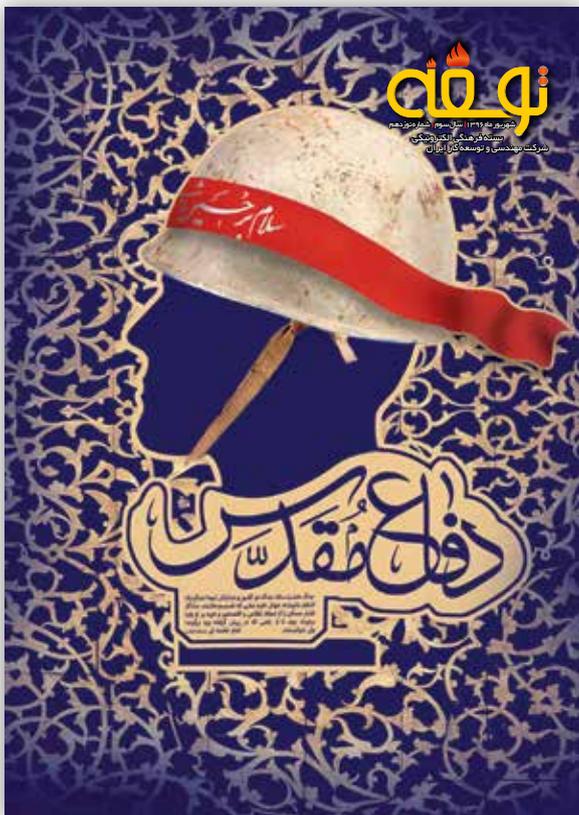




فلا مُقَدِّس

جنگ هشت ساله، جنگ دو کشور و دو ارتش نبود؛ جنگ يك
التلاف ناتواسته جهان عليه ملتی که تصمیم داشتند خداگر
فشار ممکن را از لحاظ نظامی و اقتصادی و غیره بر او وارد
بیاورند بود، تا لا راضی که در پیش گرفته بود برگردد؛
ولی نتوانستند. امام خامنه ای سیدنا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهقه

بسته فرهنگی

فهرست

یادداشت

ارزشهایی که در دفاع مقدس نمایان شد



دفاع مقدس برگ زرینی از تاریخ نظام جمهوری اسلامی ایران است، طلیعه جاودانه غرور ملی است؛ هنگامه اتحاد و همبستگی ملی مردم در دفاع از شریعت اسلام و مرزهای سرزمینی است که با نثار خون پاک فرزندان این

مرزو بوم و ایثار و مجاهدت های مثال زدنی آنها جاودانه شد. هشت سال دفاع از سرزمینی که جوانان آن به معنی واقعی کلمه ایثار و فداکاری و از خود گذشتگی را به جهانیان نشان دادند.

هفته دفاع مقدس یادآور خون های مقدسی است که در پای شجره طوبای انقلاب اسلامی ریخته شده است فرزندان که جبهه و شهادت را اطاعت می دیدند.

ایستادگی آنها نشستگان تاریخ را به قیام وا می دارد و این پیام بزرگ دفاع مقدس است. فراموش نمی کنیم ایثارگری ها و رشادت های ملتی را که در هشت سال دفاع مقدس با جان و مال خود از سرزمینشان دفاع کردند.

به احترام این شهیدان و خانواده های معظم شهدا، جانبازان، ایثارگران که اسوه صبر و مقاومت هستند این ایام را ارج می نهیم و بر روح والای این شهیدان صلوات می فرستیم و با آنان عهد می بندیم که راهشان را تا آخرین نفس ادامه می دهیم.

هشت سال جنگ تحمیلی گنجینه ای گران بها و پرافتخار و سرمایه ای تمام ناشدنی است. این رویداد یادآور حادثه های عظیم و به بار نشستن نتایج عظیم تر در سیر انقلاب ملت ماست و هیچ گاه از ذهن ملت محو نخواهد شد و در صورت درست نگهداری کردن و بهره گرفتن و انتقال ارزش های می توان نظام و کشور را در سخت ترین و بحرانی ترین شرایط حفظ و حراست کرد. همزمانی هفته دفاع مقدس با دهه اول محرم به عنوان ماه شور، شعور، عشق و فریاد؛ یاد و خاطره شب های عملیات را که دلاور مردان ایران با یاد و توکل به سالار شهیدان در مسیر حق گام برداشتند را زنده می کند و سبب درهم شکستن سکوت تاریخ می شود.

سردبیر

- ۳ دولت دوازدهم در مسیر توسعه تجارت جهانی گاز
- ۵ و ۴ سبوت قطار توسعه در هزار توی طبیعت و تمدن سرزمین های شمالی
- ۶ استفاده از سلاح شیمیایی نشانه ترس صدام بود
- ۷ پادگان دوکوهه معدن بی پایان عشق است
- ۸ برنامه ها باید متنوع و فراگیر باشند
- ۹ تحکیم و ارتقای فضای فرهنگی خانواده ها
- ۱۰ اکسیژن ناب و غذای طبیعی در دامنه سبلان
- ۱۱ منتهای آرامش در طبیعت سرانگیز دیلمان
- ۱۲ شناور پریلود؛ ستاره درخشان صنعت ال ان جی

شناسنامه

صاحب امتیاز: شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران

مدیر مسئول: حسن منتظر تربتی

سردبیر: محمد عسگری

مدیر اجرایی: مسعود علی گل

نهقه

دولت دوازدهم در مسیر توسعه تجارت جهانی گاز



زمینه بهینه سازی مصرف گاز برداشته نشود، توفیقات قابل توجهی در بخش صادرات گاز به دست خواهد آمد. ورود به بازارهای جهانی گاز و به دست آوردن سهم متناسب با شان جمهوری اسلامی ایران در صادرات گاز و تجارت جهانی این سوخت پاک، افزون بر برخورداری از موازنه مثبت گاز و تلاش وافر در بهینه سازی مصارف داخلی، نیازمند ارتقای شرکت به شرکتی در کلاس بین المللی با رفتارهای مناسب در این حوزه خواهد بود. تربیتی با بیان اینکه صنعت گاز، ظرفیت تبدیل شدن به شرکتی بین المللی را دارد، تصریح می کند: شرکت ملی گاز ایران با توجه به فعالیت های پانچ سال گذشته نشان داده که تجربه زیادی در بخش اجرای خطوط لوله، احداث ایستگاهها، توسعه شبکه های توزیع شهری و روستایی، توزیع و بهره برداری دارد.

خوشبختانه هم اکنون شرکت ملی گاز ایران به بلوغ رسیده و در طول چند سال گذشته این توانمندی را به اثبات رسانده و نشان داده است در زمینه اجرای وظایفی که به عهده آن قرار می گیرد، موفق خواهد بود و جایگاه خود را در کشور به دست آورده است.

به گفته مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران، با برنامه ریزی، آموزش، ارتقای استانداردها و توسعه همکاری بخش دولتی و خصوصی، شرکت ملی گاز ایران ظرفیت تبدیل شدن به شرکتی در کلاس بین المللی را دارد.

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران معتقد است افزون بر صنعت گاز، باید حوزه دیپلماسی کشور نیز همراهی کند تا بتوانیم به طور چشمگیر در تجارت جهانی گاز ورود کنیم. دستیابی به سهم ۱۰ درصدی از تجارت جهانی گاز، در حالی به طور ویژه از سوی شرکت ملی گاز ایران در جریان است که به تازگی صادرات گاز به منطقه بغداد عراق آغاز شده است و صادرات گاز به بصره نیز در آینده اجرایی خواهد شد. بر پایه برنامه ششم توسعه، سهم ایران از تجارت جهانی گاز باید به سالانه ۶۸ میلیارد مترمکعب برسد که برای تحقق این مسیر، نیازمند برنامه ریزی گسترده و استفاده از همه ظرفیت های موجود کشور هستیم.

سابقه کاری و شناختی که از توانمندی مجموعه نیروی انسانی صنعت گاز دارد، برنامه ریزی خوبی در جهت تحقق اهداف تعریف شده انجام داده است. وی با بیان اینکه فضای پیش رو در چهار سال آینده برای صنعت گاز بسیار مهم است، تاکید می کند: به عنوان یک راهبردی باید روند چهار سال گذشته را ادامه داد و با بهره گیری از ظرفیت بند «ق» گازرسانی به روستاهای بالای ۲۰ خانوار را به پایان رساند. از طرفی، در دوره پیش رو، خطوط سراسری که از جمله زیرساخت های کلان گازرسانی به شمار می آیند، شامل خط لوله انتقال گاز ششم و نهم سراسری باید به طور کامل تکمیل و بخش زیادی از خط لوله یازدهم سراسری نیز اجرایی شود. توسعه زیرساخت های گازرسانی، شبکه گاز کشور به پایداری قابل قبولی دست یافته و زیرساخت های ایجاد شده می تواند افزون بر رفع نگرانی از تامین نیاز داخل، شرایط را برای توسعه تجارت جهانی گاز (واردات، صادرات، ترانزیت و سوآپ) فراهم کند.

مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران می گوید: شبکه موجود و توسعه های شبکه های آتی به گونه ای است که می توان صادرات گاز را به کشورهای عراق و ترکیه افزایش داد و صادرات گاز به پاکستان، عمان، کویت و... را آغاز کرد. تربیتی معتقد است اگر بخواهیم تصویری جدید از صنعت گاز، افزون بر تصویر گذشته ارائه دهیم، در طول چهار سال آینده همزمان با تکمیل پروژه های توسعه ای شبکه داخل، باید نگاهی ویژه به صادرات گاز و بین المللی شدن صنعت گاز داشته باشیم.

تجربه سال های گذشته نشان داده است که رویکرد تولید گاز عمدتاً در مسیر رفع نیازهای داخلی و غلبه بر موازنه منفی تولید و مصرف بوده است. اکنون به واسطه افزایش تولیدات گاز در پارس جنوبی، موازنه تولید و مصرف گاز مثبت شده و زمان آن فرا رسیده است که توسعه های آتی با محوریت صادرات گاز انجام

شود و هرگونه تولید اضافی گاز به صادرات اختصاص یابد. البته نباید از این نکته غافل شد که فرهنگ مصرف گاز به گونه ای است که استعداد جذب تولیدات آتی را نیز دارد و در صورتی که به موزات تولید، گام های موثر و مستمری در

صنعت گاز با گذر از پانچ سال نخست فعالیت خود و ایجاد زیرساخت ها برای تامین بیش از ۷۰ درصد سبد انرژی کشور، نقش قابل توجهی در رونق اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی، برقراری عدالت اجتماعی، محرومیت زدایی و کاهش آلودگی هوا داشته است.

با آغاز به کار دولت یازدهم و بهره گیری از روش های نوین مالی و سرمایه گذاری، از جمله بند «ق» تبصره ۲ قانون بودجه، قانون رفع موانع تولید و BOT، توسعه صنعت گاز با شتاب بیشتری عملیاتی شد و شاهد ثبت رکوردهایی همچون بهره برداری همزمان از پنج ایستگاه تقویت فشار گاز، افتتاح خط لوله انتقال گاز ایرانشهر - زاهدان، احداث خط لوله دامغان - نکا، آغاز صادرات گاز به بغداد و گازرسانی به بیش از ۹ هزار روستا بوده ایم. در همین حال، حسن منتظر تربیتی، مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران که سابقه بیش از ۲۰ سال فعالیت در صنعت گاز را دارد، معتقد است چهار سال گذشته صنعت گاز را می توان از جمله دوره های پرافتخار آن برشمرد. وی با تحلیل فعالیت های صنعت گاز در دولت یازدهم می گوید: با نگاهی به فعالیت های انجام شده در چهار سال گذشته و تحلیل آن می توان موفقیت های صنعت گاز را در چند بخش بررسی کرد.

در بخش نخست، با برنامه ریزی، همت و تلاش مهندس بیژن زنگنه، وزیر نفت، اختلاف میان تولید و مصرف گاز با اولویت گذاری و بهره برداری از ۱۱ فاز پارس جنوبی برطرف و امکان برداشت ۵۷۵ میلیون مترمکعب گاز از میدان مشترک پارس جنوبی فراهم شد.

همزمان با افزایش ظرفیت تولید گاز پارس جنوبی، زیرساخت های اساسی و کلان برای انتقال گاز به مناطق هدف از جمله بخشی از خط لوله انتقال گاز ششم سراسری و پنج تاسیسات تقویت فشار گاز از سوی شرکت ملی گاز ایران اجرا و این گاز به طور کامل در کشور توزیع شد.

گازرسانی به زاهدان به عنوان آخرین مرکز استان فاقد گاز نیز، از جمله فعالیت هایی بود که از سوی شرکت ملی گاز ایران در دولت یازدهم عملیاتی و افزون بر بخش خانگی، زمینه گازرسانی به نیروگاه و صنایع این منطقه فراهم شد. به گفته مدیرعامل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران، گازرسانی به ۹ هزار روستای کشور را می توان از دیگر اقدام هایی برشمرد که با هدف ایجاد رفاه عمومی و برقراری عدالت اجتماعی انجام شد.

از سوی دیگر، خط لوله دامغان - کیاسر - نکا که پروژه های راهبردی بود نیز، شبکه گاز جنوب را به شمال متصل کرد و افزون بر رفع مشکلات گازرسانی به سه استان شمالی کشور و افزایش پایداری انتقال گاز این مناطق، شرایطی فراهم کرد تا رفتارمان با کشور ترکمنستان تجاری شود. در مجموع اجرای پروژه های یادشده شرایطی خوبی را برای توسعه صنعت گاز فراهم و شبکه گاز را از حالت ناپایدار به شبکه ای تاب آور تبدیل کرد. تربیتی تصریح می کند: حضور حمیدرضا عراقی، مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران به عنوان مدیری که تمام عمر کاری خود را در این صنعت سپری کرده، در دستیابی به افتخارهای چهار سال گذشته، تاثیر قابل توجهی داشته است. وی با ایجاد همدلی و با توجه به



روایتی نو از عبور از تنگناها در پروژه استراتژیک قوشه - دامغان

سوت قطار توسعه در هزار توی طبیعت و تمدن سرزمین های شمالی

پروژه قوشه - دامغان با ایجاد منبع بزرگ انرژی و با توجه به فراوانی آب، ظرفیت های توسعه صنایع را در استان مازندران به فعلیت خواهد رساند و با بستر سازی برای رونق صنایع بزرگ و اشتغال زایی جوانان منطقه، علاوه بر استقلال گازی کشور، زمینه ساز رفاه و آرامش بیشتر مردم می شود. بیژن گرجیان، مدیر پروژه قوشه - دامغان، متولد شهر بندری بابل در استان مازندران و دانش آموخته دانشگاه نفت در رشته مهندسی مکانیک، فعالیتش را در شرکت گاز، سال ۶۹ در پروژه خط لوله نکا - رشت آغاز کرد و جالب اینکه او در سال ۹۶ با مدیریت پروژه قوشه - دامغان موفق شد این دو خط مهم را به هم پیوند دهد و مأموریتش را در ارتقای رفاه و آرامش ساحل نشینان خزر تکمیل کند.

مدیر پروژه قوشه - دامغان در این مصاحبه ضمن بیان چالش های فراوان این پروژه استراتژیک، مزیت ها و امتیازات بهره برداری از آن را تشریح کرده است.

رودخانه تجن حدود ۵۶ بار با خط لوله تقاطع داشت و مشکلات بسیاری را در مسیر اجرای پروژه پدید آورد. گذشته از پرآب بودن و پرپیچ و خم بودن رودخانه، تازه وقتی که به کیلومتر ۱۰۷ رسیدیم علاوه بر مشکلات قبلی، آب پشت سد ساری هم به حجم آب رودخانه اضافه شد و در مابقی مسیر (از کیلومتر ۱۰۷ تا ۱۳۰) دوباره این رودخانه را که حجم آبش به چندین برابر افزایش یافته بود در چندین مورد قطع کردیم. با توجه به پیچیدگی طراحی و ضرورت عبور از عرض رودخانه، لوله ها در قطعات جدا از هم کارگذاری شد و تست های هیدرواستاتیک برای همه آنها به اجرا آمد.

از سوی دیگر به دلیل اینکه بستر رودخانه از سنگ های سخت تشکیل شده بود حفاری بستر رودخانه توسط بیل های مکانیکی بزرگ و در عمق ۵ متری و با سختی بسیار انجام می شد.

پس از انجام مطالعات فراوان و پیشنهاد چندین مسیر، نهایتاً کریدوری تعریف شد که از کویر سمنان تا کوهستان، جنگل و رودخانه در مازندران را در بر می گرفت. جغرافیای خاص منطقه سمنان، اقلیمی بسیار سرد و صعب العبور داشت به طوری که در منطقه فولاد محله که در کیلومتر ۲۸-۲۷ واقع شده است شدت سرما به حدی می رسید که گازوییل یخ می زد و به دلیل عدم تحرک ماشین آلات، عملاً اجرای کار متوقف می شد. در ادامه این خط حدود ۱۴ کیلومتر از مسیری جنگلی عبور می کرد و سپس در یکی از کریدورهایش از دهانه دو کوه می گذشت که رودخانه تجن از بین آنها رد می شد.

***رودخانه تجن با پیچ و خم های معروفش از جمله موانع طبیعی پروژه بود که تا شهر ساری در امتداد خط لوله جریان داشت. چگونه تقاطع های متوالی این رودخانه را رفع کردید؟**

قطع گاز، بخاری برقی به کیمیا بدل شد و قیمتش در برخی مناطق بحران زده تا چند برابر افزایش یافت؛ کرسی های قدیمی در روستاهای مازندران از پستوها بیرون آورده شد و از همه تلخ تر اینکه زمستان بحرانی و سرد سال ۸۶، جان چند تن از هموطنان مان را گرفت.

مجموعه مصائب مصرف کنندگان خانگی و نیز تعطیلی طولانی مدت تولید بسیاری از صنایع و کارخانجات استان در زمستان ۸۶، دولت را مصمم کرد تا برای حل مشکل افت فشار گاز مازندران و تثبیت گاز این استان، اقدامی اساسی کند و احداث خط جدیدی را در دستور کار قرار دهد.

***خط قوشه - دامغان به لحاظ تنوع اقلیم و توپوگرافی مناطق عبوری از دشوارترین و پرپیچ و خم ترین خطوط شرکت گاز محسوب می شود. در این خصوص توضیح دهید.**

***در باره چگونگی شکل گیری پروژه قوشه - دامغان بگویید.**

همه به خاطر داریم که در زمستان سال های ۸۵ و ۸۶ چگونه هموطنان استان های شمالی در محاصره موج سهمگین برف و سرما قرار گرفتند و متعاقب آن با افت شدید فشار گاز حتی معمولی ترین فعالیت های روزمره زندگی به کلی مختل شد. از آنجایی که بنده شمالی ام و اشراف کامل به منطقه مازندران دارم خاطر هست که به دلیل قطع گاز حتی نانوائی ها نمی توانستند نان پخت کنند و زندگی مردم به دلیل عدم دسترسی به اساسی ترین مایحتاج شان و نیز برودت شدید هوا در معرض خطرات جدی قرار گرفته بود.

اوضاع به قدری وخیم شده بود که ماشین هایی که به سمت شمال می رفتند آذوقه و مواد خوراکی را حمل کرده و به مردم گرفتار در یخبندان می رساندند. با

***این پروژه به دلیل اهمیت استراتژیک برای کشور همواره مورد رصد و پایش دائمی مقامات و نهادهای عالی قرار داشت که مسئولیت ارکان پروژه را در پاسخگویی و تسریع کار سنگین تر می کرد. در این خصوص توضیح دهید.**

خاطر هست که در اردیبهشت ۹۶ تعدادی از نمایندگان مجلس در نامه ای به وزیر نفت تاکید کردند که با توجه به گزارش های رسیده این پروژه در زمان مقرر به بهره برداری نخواهد رسید. این نامه در زمانی که شرکت گاز ابلاغ شد که همکاران با انبوهی از مسائل ریز و درشت در مسیر اجرا مواجه بودند و تنش ها و استرس ها به اوج رسیده بود. اما حمایت مجموعه مدیران شرکت گاز و مهندسی، مسئولان استانی، استانداری، رییس دادگستری و ... کمک کرد تا بتوانیم پروژه را طبق وعده به بهره برداری برسانیم.

***در پایان اگر صحبتی دارید، بگویید.**

در روند تکمیل پروژه هر روز در جلساتی با حضور مجری محترم، همکاران، پیمانکار و مشاوران اندازه گیری می کردیم تا کجای مسیر را پیاده کنیم و چالش ها و پیشنهادات را بررسی می کردیم و تا پاسی از شب برای رفع چالش ها به ایده پردازی و همفکری می پرداختیم تا اینکه موفق شدیم دست به دست هم دهیم و کار را به ثمر برسانیم. سرانجام وقتی که کار انجام شد، خستگی چندین ماه کار شبانه روزی و طاقت فرسا از تن ما در رفت و از اینکه سهمی در حفظ آبرو و عمل به تعهدات برای شرکت گاز و مهندسی و توسعه داشته ایم، خرسند بودیم. از بهمن ۹۵ این پروژه از لحاظ اجرا، مالی و کالا سیر صعودی و رشد قابل توجهی داشت چرا که همه نیروها متعهد و پایبند به اهداف پروژه بودند و ارزش کاری که برای کشور انجام می دادند در لحظه لحظه لازم است عنوان کنم یکی از مزیت های این پروژه پیش بینی چندین شیر انشعاب در مسیر خط لوله است به نحوی که می تواند خوراک لازم را برای تزریق به صنایع منطقه تامین کند. هم اکنون قابلیت بزرگ برای تزریق گاز به صنایع سیمان، نیروگاه نگاه و دیگر صنایع منطقه ایجاد شده است، در حالی که در زمستان سال های گذشته به ناچار سوخت صنایع قطع می شد و مراکز صنعتی برای جبران سوخت و جایگزینی مازوت ناگزیر از تحمیل هزینه های بیشتر و آلودگی محیط زیست بودند. این پروژه علاوه بر موضوع استقلال گازی ایران که واقعا باعث سربلندی کشورمان در عرصه بین المللی شده، منبع انرژی پاک و ارزان را هم به مردم شمال هدیه کرده است که با توجه به فراوانی آب می تواند باعث تولد و رونق صنایع پتروشیمی و اشتغال جوانان مستعد استان باشد و این دقیقا همان چیزی است که خستگی کار شبانه روزی را از تن ما به در می کند. مردم سرزمین زیبای مازندران با آن تمدن کهن که نشانه هایی از گنجینه های ارزشمندشان در اعماق تاریخ در جریان این پروژه کشف شد لایق زندگی بهتر هستند و به تعبیر فرودسی بزرگ: که مازندران شهر ما یاد باد... همیشه بر و بومش آباد باد.

بارسیدن پروژه به مناطق باتلاقی در بافتیم که سطح طراز آب، بالاتر از پیش بینی های انجام شده و نقشه های طراحی شده در مطالعات اولیه است. همان طور که می دانید شالیزار بستری باتلاقی دارد از این رو برای تثبیت سطح خاک باید بستر زمین با حجم متناسبی از مخروط (قلوه سنگ های درشت) پوشانده شود تا ماشین آلات سنگین بتوانند از آن عبور کنند. از آنجایی که مسیرسازی اولین گام در بنای خط لوله به شمار می آید ما با محدودیت های فراوانی در برداشت حجم مخروط در مازندران مواجه بودیم به گونه ای که باید مخروط کوهی را از فاصله ۵۰۶۰ کیلومتری و از محلی در بهشهر تامین می کردیم. به همین دلیل تمهیداتی برای کاهش حجم مخروط اندیشیدیم و برای اولین بار از سازه های ژئوگراید یا ژئوتکستایل استفاده کردیم که از ورق های مس با انعطاف بالا تشکیل شده است. پس از اخذ مجوزهای لازم، این روش نو که تخریب زیست محیطی و هزینه کمتری دارد در حدود ۵۰۶۰ کیلومتر از مسیر به کار گرفته شد.



***به لحاظ حقوقی چه مشکلات و چالش هایی را در مسیر اجرای پروژه پشت سر گذاشتید؟**

اجرای بخش هایی از پروژه در بافت شهری و مسکونی و ارزش بالای زمین در شمال کشور ما را با محدودیت های قابل توجه مواجه ساخت و رقم پروژه را به شکل چشمگیری افزایش داد.

نکته قابل تامل آنکه هزینه هایی که شرکت برای تحصیل اراضی متحمل شد بسیار بیشتر از هزینه های اجرایی بود و صد البته ارزش پروژه برای مردم و کشور آنقدر بود که هزینه ها و زحمات را توجیه پذیر می کرد. پس از تحصیل اراضی نیز ریزش مداوم کانال ها، تخلیه خاک و آب و تعامل با کشاورزان خود نیازمند سعه صدر زیادی بود و البته تعداد لوله های آبرو رقم بالایی داشت که فراتر از طراحی بود. بخش مهمی از پروژه در فصل شالیکاری اجرا شد و همه می دانیم که کشاورزان چقدر در بحث آبگیری برنجزار حساسیت دارند و همه این مسائل با گفت و گوی رو در رو و مشارکت فعال دوستان حقوقی مرتفع می شد.

و مقررات داخلی راه آهن ما را ملزم به اجرای خط لوله جدید در شعاع یک کیلومتری می کرد، در حالی که پروژه ما در محاصره محیط زیست، جنگل و بافت مسکونی قرار گرفته بود و راه دیگری وجود نداشت. در هر صورت پس از رایزنی های بسیار با راه آهن مقرر شد خط انتقال گاز در عمق ۱۲ متری راه آهن قرار گیرد تا اصول ایمنی طبق دستورالعمل های آنان رعایت شود. حدود ۸۵ متر از حفاری در این مرحله به روش کیسینگ انجام شد و مابقی با حفاری و مهار زیرزمینی. به دلیل فیزیک خاک این منطقه استفاده از روش های مرسوم حفاری به هیچ وجه میسر نبود و ریزش مستمر جداره های کانال در آن منطقه، کار را با دشواری های بسیار همراه کرده بود.

***در صحبت هایتان به اجرای پروژه در بافت مسکونی و مشکلات فراوان تحصیل اراضی اشاره کردید. با توجه به حساسیت کشاورزان و صاحبان منازل روی زمین، چگونه با مشکلات به وجود آمده کنار آمدید؟**

سیاست اصلی ما در این پروژه بر تعامل نتگانتگ با مردم استوار بود. عملکرد قابل قبول کارشناسان زبده آن منطقه و نیز کارشناسان حقوقی شرکت در حل و فصل نارضایتی های مردم و القای حسن نیت شرکت در تامین منافع آنان، باعث شد در هماهنگی با دادستان منطقه بتوانیم در قیمت ها بازنگری کنیم و رضایت و اعتماد مردم را به حداکثر برسانیم. درایت و سعه صدر شرکت در شنیدن مطالبات مردم و حل و فصل مسائل در شورای تامین استان خوشبختانه نتیجه داد و موضوع تحصیل اراضی اهالی که می توانست پروژه را با مشکلات اساسی مواجه کند، هموار شد. لازم است عنوان کنم که به دلیل محدودیت های اجرایی فراوان در بافت مسکونی، بخشی از این پروژه با ویژگی هایی در حد لوله کشی شهری به انجام رسید.

***بخشی از این خط لوله از زمین های کشاورزی و شالیزارهای اهالی عبور می کرد که با توجه به ماهیت باتلاقی این زمین ها پروژه را با مشکل مواجه می کرد. در این خصوص چه راهکارهایی به کار بردید؟**

***گویا پروژه پس از چندین بار توقف به علت محدودیت های زیست محیطی و مالی دوباره به طور جدی در دستور کار قرار گرفت. در این مورد توضیح دهید.**

از سال ۹۲ و پس از اخذ مجوز از مراجع محیط زیست، پروژه که قبلا به دلیل عبور از پارک ملی حیات وحش متوقف شده بود، از سر گرفته شد. سپس در سال ۹۳ و در قالب PC پروژه پیمان سپاری شد. همچنین مشکل نقدینگی و محدودیت منابع مالی باعث چندین نوبت توقف در مسیر پروژه شد که پس از ابلاغ شورای عالی اعتبار به وزارت نفت مبنی بر تامین هزینه ها، این پروژه به صورت جدی از سال ۹۵ در دستور کار قرار گرفت.

***کشف میراث فرهنگی در حین اجرای پروژه خط لوله از مواردی بود که انعکاس خبری بسیاری داشت و در عین حال مشکلات جدیدی را در مسیر پدید آورد. در این باره توضیح دهید.**

بر خورد خط لوله به منطقه میراث فرهنگی از جمله موارد بازدارنده در روند اجرای پروژه بود به طوری که با توجه به محدودیت فضای عملیاتی، تعریف کریدور جایگزین و صدور مجوزهای مرتبط یک سال به طول انجامید. جالب اینکه هیچ کدام از مراجع ذی ربط از جمله نماینده میراث فرهنگی که در جلسات پیشین پروژه حضور داشتند اطلاعی از وجود چنین مناطقی نداشتند. اما پس از کشف، بلافاصله نیروهای انتظامی برای حراست در منطقه مستقر شدند و ما ناچار به توقف پروژه و ترک محل اجرا شدیم.

***با توجه به نزدیکی محل اجرای پروژه به محدوده شهر ساری بگویید چه چالش هایی بر سر راه قرار داشت؟**

در کیلومتر ۱۳۴-۱۳۳ به پارک ملی سمسکنده برخورد کردیم که عبور خط لوله از آن مسیر هم مورد مخالفت سازمان حفاظت از محیط زیست قرار گرفت چرا که به اعتقاد این سازمان این پارک تنها بوستان جنگلی نزدیک به شهر ساری و به نوعی خط قرمز آنها محسوب می شد. پس از رایزنی های فراوان در نهایت منطقه ذغال چال در نزدیکی منطقه شهری ساری به عنوان کریدور جایگزین تعریف شد که مسئولان پروژه را با مشکلاتی عظیم در تحصیل اراضی و پرداخت هزینه برای کسب رضایت صاحبان زمین مواجه ساخت.

در ادامه برای ایمن سازی، حریم ۴۰ خانه که در محدوده خط لوله واقع شده بودند آزاد شد. البته این پایان کار نبود چرا که تازه به ریل راه آهن که در مجاورت خط لوله نفت قرار داشتند، رسیده بودیم.

***با توجه به مجاورت خط لوله نفت و ریل راه آهن و دستورالعمل های سختگیرانه سازمان راه آهن در این خصوص چطور به حل و فصل موضوع پرداختید؟**

معضل بزرگ ما در این پروژه اخذ مجوز از راه آهن برای احداث خط لوله بود چرا که خط لوله نفت قبلا یک بار ریل را قطع کرده بود

رییس دفتر شرکت مهندسی و توسعه گاز از فاجعه حلبچه می گوید:

استفاده از سلاح شیمیایی نشانه ترس صدام بود

سرزمین کردستان همانند دیگر مناطق ایران اسلامی مملو از مردمی جنگجو، رشید و دلیر است که با تقدیم صدها شهید، جانباز و اسیر در دوران دفاع مقدس حسرت تصرف یک وجب از خاک میهن را بر دل دشمن متجاوز گذاشتند. برای ساکنان این دیار، ایثار و شهادت حتی قبل از آغاز اعلان رسمی جنگ شروع شده بود. جوانان مومن و مذهبی شهرهای کردستان با کمک سپاه، اسلحه در دست گرفتند و با گشت زنی شبانه امنیت شهرها و روستاها را تامین کردند. یکی از این نوجوانان شجاع در حالیکه ۱۱ سال بیشتر نداشت با پیوستن به نیروهای بسیج مردمی سعی کرد سهمی در مقابله با گروهک‌هایی داشته باشد که شبانه به روستاهای اطراف شهرستان بیجار حمله می کردند و مردم بی گناه و خانواده های مذهبی را اسیر کرده و یا به شهادت می رساندند.

ظرفیتی برای اسکان و اقامت نیروها وجود نداشت. اما در جبهه دشمن نیروهای فریب خورده با مغزهایی شستو داده حضور داشتند که انگار به یک مراسم رسمی و تشریفاتی دعوت شده بودند. نیروهایی با لباس های شیک که هیچ گونه ملزومات و لباس رزم به همراه نداشتند گویی که پیروزی خود و تصرف تهران را حتمی می دانستند. حرکت متجاوزان در طول جاده باعث شد تا هوانیروز با تسلط کامل آنها را قلع و قمع کرده و عملیات مرصاد را به روزی فراموش ناشدنی در تاریخ جنگ بدل کند.

این بسیجی جبهه های جنگ می افزاید: بعد از عملیات مرصاد به موقعیت جوار سد قشلاق سندانج بازگشتیم و کارهای بازسازی پس از اتمام جنگ را انجام دادیم و تا ۳ ماه پس از پایان جنگ نیز در حالت آماده باش بودیم. در واقع من به دلیل جغرافیایی که در آن سکونت داشتم این توفیق برایم حاصل شد که بهترین روزهای عمرم از سال ۵۸ تا آذر ۶۷ را در خدمت به اسلام و ایران سپری کنم. یکی از نکات جالب توجه در جنگ این بود که همه قومیت ها هم از سنی و شیعه و ترک و لر و کرد در کنار هم برای حفظ آب و خاک کشور می جنگیدند و از نکات فرعی اما جالب اینکه در طی سال های جنگ بر اثر همنشینی با دوستان آذری موفق شدم زبان ترکی را به طور کامل فرا بگیرم.

نصرتی در پایان، استفاده عراق از سلاح های شیمیایی را نشانه ترس، زبونی و استیصال صدام در مقابله با موفقیت های پی در پی ایران ارزیابی می کند و می گوید: تا عمق سلیمانیه عراق نفوذ کرده و سراسر مرز با عراق را برای صدام تبدیل به جهنم کرده بودیم. در چنین شرایطی صدام در موضع ضعف قرار داشت و با حملات شیمیایی به جنوب، حلبچه و سردشت سعی می کرد بر روی شکست هایش سرپوش بگذارد. از سوی دیگر دشمن می خواست در آخرین روزهای جنگ بخشی از خاک ایران را تصرف کند تا بعدا بر سر میز مذاکره بتواند امتیاز بگیرد که البته بچه ها تا آخرین نفس مردانه جنگیدند و حسرت تصرف حتی یک وجب از خاک ایران را بر دل صدام نهادند. در دوران پس از جنگ هم هر موقع که کشور دچار چالشی شده همان روحیه ایثار و از خود گذشتگی به کمک آمده تا موانع را از پیش رو برداریم و از گردنه ها به سلامت عبور کنیم.



او در توصیف ساکنان شهر حلبچه عراق می گوید: ساکنان حلبچه از برادران اهل سنت هستند و این شهر همانند اهالی شهرهای همجوار در خاک ایران مثل پاره و جوانرود، از مردمانی خونگرم، آرام و اهل دیانت و ایمان تشکیل شده است. تمام سلسله جبال مشرف به شهر حلبچه به دلیل نفوذ دائمی گروهک ها و تبادل آتش بین ۲ طرف جنگ، مین گذاری شده بود و تردد در آن به جز بومی ها برای کسی مقدور نبود. ۳ روز بعد از عملیات شیمیایی صدام به حلبچه وارد شدیم و دیدیم آن جنایتکار جنگی چگونه مردم و شهروندان خود را به خاک و خون کشیده است. مردم در دشت حلبچه پریز شده بودند و اوضاع خیلی اسفبار بود. حتی حیوانات هم تلف شده بودند. نه تنها حیوانات بلکه همه پدیده ها آب، خاک و هوا هم به شدت آلوده بود. انسانی ترین صحنه موقعی اتفاق افتاد که رزمندگان ما فداکارانه ماسک های شان را به شهروندان حلبچه بخشیدند و از سلامتی خود گذشتند. مطمئنم که هنوز هم زخم های اهالی مظلوم حلبچه از تبعات آن اقدام ناجوانمردانه پاک نشده و آثار سوء آن حملات شیمیایی مرگبار همچنان ادامه دارد. حلبچه برخلاف سایر شهرهای همجوار با مرز ایران که عمدتاً خالی از سکنه بوده و حالت نظامی داشتند، کاملاً مسکونی بود و به همین دلیل تلفات انسانی بسیار بالایی بر ساکنانش تحمیل شد.

رییس دفتر شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران درباره استراتژی دشمن در عملیات مرصاد می گوید: از دیدگاه استراتژیک نزدیک ترین نقطه به بغداد از سوی عراق، مهران و نفت شهر و از سوی ایران برای رسیدن به تهران، از جاده کرمانشاه است. بنابراین دشمن مسیر خوبی را برای رسیدن به تهران انتخاب کرده بود و در صدد بود از کرمانشاه و سپس همدان به سمت پایتخت حمله کند. غافل از اینکه در بطن جامعه ایران انگیزه و شور و شوقی بی نظیر برای یکسره کردن کار دشمن موج می زد. مردم از تمام شهرها و روستاها خود را به سمت مرصاد می رساندند و هر لحظه بر تعداد جمعیت مشتاق نبرد افزوده می شد. مردم آمده بودند تا درسی فراموش ناشدنی به متجاوزان بدهند که برای همیشه فکر تصرف خاک ایران را از ذهن شان بیرون کنند. در عرض ۴۸ ساعت چنان نیروها با تمام قوا پای کار آمدند که دیگر

علی اکبر نصرتی، متولد ۱۳۴۸ در بیجار کردستان، در سال ۶۹ به شرکت گاز پیوست و هم اکنون رییس دفتر و دبیر هیئت مدیره در شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران است. او زادگاهش بیجار را از جمله شهرهای شیعه نشین استان کردستان معرفی می کند و می افزاید: پس از غلبه بر گروهک ها توانستیم دشمن را تا مرز ۳۵ کیلومتری بیجار بیرون برانیم. سپس از سال ۶۲ رسماً وارد بسیج سپاه پاسداران بیجار شدم و به عنوان بسیجی در عملیات های مختلفی در شهرهای مریوان، سقز، دیواندره، دره شیلر و حلبچه حضور داشتم و با توجه به اوضاع ملتهد کردستان به مدت ۳ ماه پس از پایان جنگ نیز مشغول به خدمت و در حالت آماده باش بودم.

این رزمنده دفاع مقدس درباره اهداف عملیات والفجر ۱۰ می گوید: دشمن در آن زمان انواع و اقسام جنگ افزارهای پیشرفته که حامیان غربی در اختیارش گذاشته بودند را در جبهه جنوب متمرکز کرده بود که این تراکم نفرت و تجهیزات اجرای عملیات در جنوب را برای ایران بسیار سخت می کرد. از این رو ایران قصد داشت با انهدام بخشی از توان دشمن در جبهه غرب کاری کند تا عراقی ها به سوی غرب کشیده شوند و امکان مانورهای عملیاتی برای رزمندگان در جنوب فراهم شود. دشمن هم که فکر نمی کرد ما در آن نقطه عملیات کنیم دست به کاری غیرانسانی زد و با حملات شیمیایی مانع از پیشروی جبهه ایران شد. البته صدام در این منطقه عراق هرگز نتوانست مانع از تصرف سد دربندی خان در ارتفاعات شاخ شمیران شود و ایران با قدرت سد را به تصرف در آورد.

نصرتی در توصیف شرایط جغرافیایی و اجرایی عملیات والفجر ۱۰ می گوید: عملیات در زمستان ۶۶ انجام شد و سردسیر و صعب العبور بودن منطقه کوهستانی کردستان کار را سخت می کرد. در هر صورت به دره دزلی که مشرف بر شهرهای عراق بود رسیدیم و در ارتفاعات چناره مستقر شدیم. من مسئول دسته گردان امام حسین در این عملیات بودیم و سعی می کردیم به پشت جبهه دشمن نفوذ کنیم و سرانجام موفق شدیم مرکز گردان دشمن را کاملاً به تسخیر در آوریم. ما در این عملیات در ارتفاعاتی که مشرف بر دشت حلبچه و شهرهای اطرافش بود مستقر بودیم و به همین دلیل عملیات شیمیایی صدام کمتر به بچه ها صدمه زد، اما مردمی که در دشت حلبچه بودند به شدت آسیب دیدند.



روایت کارمند جانباز شرکت مهندسی و توسعه گاز از دیده بانی و کاتیوشا در فاو و جزیره مجنون؛

پادگان دو کوهه معدن بی پایان عشق است

کلاس پنجم دبستان بود که شیپور آغاز جنگ به صدا در آمد. بنا بر قاعده او در سنی بود که تنها دلخوشی اش می بایست بازی در کوچه با دوستان و هم سن و سالانش باشد، اما دلواپسی از آینده و سرنوشت کشورش، مدام افکار و رویاهای کودکانه اش را می خراشید. از همان لحظات اولیه شروع جنگ، شور و اشتیاق دفاع از میهن در وجودش شعله ور شد و برای رفتن به جبهه سر از پا نشناخت، منتهی سن پایین و جثه کوچک و نحیف، مانعی در راه رسیدن او به آرزویش بود تا اینکه با دست بردن در شناسنامه در قامت یک بسیجی نوجوان رهسپار نبردی نابرابر شد.

برای مادرم که پس از درگذشت پدرم کاملاً تنها شده بود بیشتر می کرد. بنابراین تصمیم گرفتم برای کمک به مادرم مدتی مرخصی بگیرم و به تهران بیایم. به اهواز که رسیدم خبر دادم که مهران به تصرف دشمن درآمده و لشکرهای زرهی ایران شکست خورده اند. از طرفی می دانستم که مادرم در تهران انتظارم را می کشد و از سویی وجدانم قبول نمی کرد که در شرایطی که بسیاری از رزمندگان شهید و اسیر شده بودند و قسمتی از خاک وطنم در چنگال دشمن بود به تهران بیایم و استراحت کنم. این شد که تصمیم گرفتم مستقیماً به مهران بروم و در عملیات کربلای یک به عنوان دیده بان خدمت کنم. خوشبختانه بچه ها به خوبی تا ارتفاعات پیش رفتند و این عملیات موفقیت آمیز با آزادی مهران در زمستان ۶۵ به پایان رسید.

این جانباز دفاع مقدس درباره وضعیتش در دوران پس از جنگ می گوید: هنوز هم بر سر مزار دوستان و همزمانم می روم و یقین دارم دعای عزیزانی که ره صد ساله سیر و سلوک الهی الله را یک شبه رفتند، گره از کارهای ما می گشاید. نبرد با باطل هیچ وقت تمام شدنی نیست چه آنکه امروز هم بچه های مدافع حرم با رها کردن زندگی مادی و تشریفاتی در غربت در حال دفاع از کیان اسلام و حقیقت اند و نقشه های شوم صهیونیسم برای ضربه زدن به ایران اسلامی را با رشادت مثال زدن در نطفه خفه کرده اند. من تا به امروز هیچ گونه استفاده ای از مزایای جانبازی نداشتم اما امیدوارم شرایطی فراهم شود تا فرزندانم بتوانند برای تسهیل شرایط دشوار زندگی امروز، اندکی از مشکلات شان را با این تسهیلات مرتفع کنند.



هادیان درباره نحوه جانبازی اش می گوید: تا ۸ ماه پس از رفع تصرف فاو در آنجا به عنوان دیده بان انجام وظیفه می کردم. یک روز بعد از صرف ناهار مشغول استراحت بودیم و عده ای از رزمندگان هم در رودخانه بهمنشیر مشغول شنا بودند که ناگهان میگ های عراقی حمله کردند و با بمباران شدید منطقه عده بسیاری از دوستان را شهید کردند. در همان گرماگرم بمباران و زیر آتش دشمن، یکی از بمب ها به انبار مهمات اصابت کرد که بر اثر شدت موج انفجار یکی از گوش هایم آسیب دید. البته این پایان کار نبود چراکه یک بار دیگر و در حمله شیمیایی دشمن به فاو هنگامی که روی دکل بودم دچار مصدومیت شیمیایی شدم که تا به امروز هم به لحاظ تنفس و ریه تحت درمان قرار دارم. او درباره چگونگی حضورش در عملیات کربلای یک در منطقه مهران می گوید: من دو برادر داشتم که آنها هم همزمان با من در جبهه های مختلف در حال جنگیدن با دشمن یعنی بودند و این موضوع سختی زندگی را

دوستم نیز پس از ادای نماز جماعت ظهر و عصر به جبهه رفت و یک ساعت بعد خبر شهادتش مخابره شد.

کارمند حراست شرکت مهندسی و توسعه گاز درباره شرایط استراتژیک جزیره مجنون توضیح می دهد: صدام وقتی متوجه پیشروی چشمگیر نیروهای ایرانی تا اتوبان ابوالخطیب عراق و نزدیکی شهر بصره شد، احساس خطر کرد و با منفجر کردن سد بصره کاری کرد تا آب های پشت سد به سمت رزمندگان سرازیر شده و از پیشرفت بیشتر ایران در خاک عراق جلوگیری کند. وقتی که دیواره سد شکسته شد آب کل منطقه را فرا گرفت و جزیره مجنون که قبلاً حال کویری داشت به شکل مردابی پر از آب راکد در آمد. علیرغم اینکه این حادثه از پیشروی ایران در خاک دشمن جلوگیری کرد اما بچه ها در عملیات بدر موفق شدند جزیره مجنون که سرزمینی بسیار گسترده و راهبردی به شمار می رفت را از چنگ عراقی ها درآورند و حملات مداوم دشمن برای تصرف دوباره را خنثی کنند.

این جانباز دفاع مقدس درباره عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو چنین می گوید: در سال ۶۵ به عنوان دیده بان در منطقه فاو مستقر شدم. جبهه ایران در عملیات والفجر ۸ پیشروی بسیار خوبی داشت و علیرغم استفاده دشمن از پیشرفته ترین سلاح های غربی، موفق شدیم عراقی ها را به عقب برانیم و فاو را آزاد کنیم. هرچند که صدام بعد از شکست در فاو در اقدامی وحشیانه و در سکوت مرگبار مدعیان حقوق بشر از سلاح های شیمیایی و گاز خردل استفاده کرد. این عادت موزیانه صدام بود که پس از هر شکست، به سلاح های مرگبار شیمیایی متوسل می شد تا شیرینی پیروزی را به کام ایرانی ها تلخ کند و از رزمندگان انتقام بگیرد.

رسول هادیان، متولد ۱۳۴۶ در محله دروازه دولاب تهران، با ۳۰ سال سابقه در حراست شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران، هم اکنون متصدی حراست ساختمان ششم است. او کلاس دوم راهنمایی بود که در پاییز ۶۲ و از طریق پایگاه مالک اشتر رهسپار منطقه شد. پس از رسیدن به جبهه و تنفس در فضای معطر و کربلاگونه حاکم بر آن سرزمین حال و هوایش به کلی تغییر کرد و همبای دیگر بسیجیان و رزمندگان سعی کرد با خودسازی و تهذیب نفس راهی به سوی شهادت باز کند.

هادیان که کل دوران حضورش در جبهه را در لشکر ۲۷ محمد رسول الله گزرانده است، در توصیف فضای پادگان دو کوهه در سال ۶۲ می گوید: در ابتدای حضور، به دلیل جثه کوچک اجازه ندادند برای شرکت در عملیات خبیر به منطقه بروم و به جای آن به مدت ۲ ماه در پادگان دو کوهه، فعالیت های فرهنگی و پاسداری از اطراف پادگان را بر عهده داشتیم. فرمانده لشکر در آن دوران، شهید همت و جانشین ایشان شهید عباس کریمی بود. پادگان دو کوهه معدن بی پایان عشق است. من هنوزم وقتی به دو کوهه می روم برای لحظاتی مکث می کنم و شعرها و نواهایی که بچه های گردان در صبحگاه ما می خواندند را با خود زمزمه می کنم. انگار که صدای بسیجی ها دیوار زمان را شکافته و در قلب تاریخ جای گرفته است. حاج آقا بخشی گل سرسید پادگان دو کوهه بود؛ پیرمردی که پرچم می چرخاند و علمدار جبهه ها بود و مراسم دعای کمیل حاج منصور که معنویت پادگان را به اوج می رساند. پادگان دو کوهه تجلی گاه عرفان و خلوص و جایگاهی برای آماده سازی معنوی و روحی رزمندگان قبل از عزیمت به محور بود.

او که طی اولین اعزام در سال ۶۳ در ترکیب گردان های حمزه و انصار الرسول قرار گرفت، می گوید: به مدت ۴۵ روز پای قبضه کاتیوشا در جنوب جزیره مجنون بودم. کاتیوشا صدایی فوق العاده مهیب داشت و ما با حمایت گلوله های کاتیوشا از خط ایران که مشغول پیشروی بود حمایت می کردیم و با ریختن آتش روی جبهه عراق، مسیر را برای حرکت رو به جلوی جبهه خودی و رفع موانع هموار می کردیم. خاطرم هست که دو تن از هم گردانی ها در عملیات بدر در جزیره مجنون شهید شدند. مجید فرجی مشغول وضو گرفتن بود که گلوله ای بسیار بزرگ در جلوی پایش فرود آمد به طوریکه وی ناپدید و مفقود الاثر شد. حسن شمیرانی دیگر



دوره‌می فرهنگی مهندسی‌ها در آخرین روز هفته

سخنی به گزاف نرفته است اگر بگوییم سینما، بیش از سایر هنرها به برگزاری یک مراسم شباهت دارد؛ انگار که دعوت شده‌ای به یک دوره‌می با شکوه و هیجان انگیز. قدرت تاثیر هنر هفتم بر عواطف و احساسات مخاطب با آن پرده بزرگ و جادویی، دقیقا همان چیزی است که عصر جمعه را به لحظاتی دلپذیر و پرهیجان بدل می‌کند. خانواده بزرگ شرکت مهندسی و توسعه گاز یک بار دیگر در آخرین روز هفته میهمان سینما فلسطین بودند. آنها که پیش تر با طنزهای عطاران در فیلم نهنگ عنبر، دفتر خاطرات نوستالژی‌های دهه ۶۰ را ورق زده و از سکانس‌های خاطره‌انگیز آن لذت برده بودند این بار به تماشای هنرنمایی چهره‌های دیگر از نسل ساعت خوشی‌ها نشستند. مهران مدیری که تا چندی پیش برنامه پرطرفدار دوره‌می را شب‌ها بر روی آنتن می‌برد این بار نیز با محتوای طنز اجتماعی سعی می‌کرد با نقادی تیزبینانه تلنگر به خلائهای جامعه بزند.

خانواده مهندسی آمده بودند تا در این گردهم‌آبی با خالق ساعت خوش و دوره‌می لحظاتی را در آخرین روز هفته در کنار هم به آسایش و آرامش بگذرانند و با تازه‌سازی روحیه، مهیای ساختن هفته‌ای پرثمر شوند.

برنامه‌ها باید متنوع و فراگیر باشند



حسین تارنیان، رییس حسابداری طرح‌های عمرانی شرکت با قدردانی از برنامه‌هایی که برای خانواده‌های پرسنل اجرا می‌شود، می‌گوید: خوشبختانه فضای فضای شرکت به گونه‌ای است که همکاران در کنار پرداختن به وظایف شغلی به ارتباطات انسانی هم اهمیت می‌دهند و سازمان ما به لحاظ میزان صمیمیت و دوستی بین کارکنان در سطح مطلوبی قرار دارد.

برای رسیدن به ارتباطات موثرتر و روحیه بخش‌تر می‌توان برنامه‌های خانوادگی را در قالب مسافرت‌های کوتاه مدت اطراف تهران، تفرج‌گاه‌ها و کوه‌پیمایی تدارک دید که خود منشا آشنایی‌ها و روابط بیشتر بین خانواده‌ها خواهد شد.

وی می‌افزاید: ما کارکنان شرکت اگرچه در ساختمان‌ها و طرح‌های مختلفی حضور داریم و مسئولیت‌های مختلفی را انجام می‌دهیم اما در حقیقت همگی از اعضای خانواده بزرگ مهندسی هستیم و اجرای چنین برنامه‌هایی باعث تقویت هم‌افزایی بین اجزای سیستم خواهد شد. در اجرای برنامه‌های فرهنگی یا گردشگری باید به اصل «تنوع و فراگیری» هم توجه ویژه‌ای کنیم چرا که به دلیل پراکندگی منازل ممکن است برخی همکاران نتوانند از برنامه‌ها استفاده کنند.

رییس حسابداری طرح‌های عمرانی در ادامه عملکرد روابط عمومی در اجرای برنامه‌های فرهنگی را مثبت ارزیابی می‌کند و می‌گوید: با توجه به تعطیلات آخر هفته و جاذبه‌های فراوان تهران هنوز هم جای کار زیادی داریم که می‌توان با بهره‌گیری از خرد جمعی همکاران و مشارکت دادن آنان در تدوین برنامه‌ها، رویدادهای مفیدتری را در جهت رفاه حال خانواده‌های پرسنل به مرحله اجرا در آورد.

گردهم‌آبی‌ها از توجه سیستم به کارکنان حکایت دارد



مهرداد سلیمانی‌فر، مجری طرح خطوط لوله سراسری گاز هم که به همراه همسر و دو فرزندش در سالن سینما حضور یافته است، می‌گوید: برگزاری رویدادهایی که با هدف با ارتقای فرهنگی انجام می‌شود تاثیری مهم بر روی خانواده‌ها دارد. اینجانب به دلیل ماهیت شغلی و کثرت مسئولیت‌های محوله، کمتر موفق به استفاده از تسهیلات فرهنگی می‌شوم اما خانواده و به ویژه دخترم که از علاقه‌مندان به هنر بوده و در کانون سینما و فیلم فعالیت دارد معمولا در چنین مراسم‌هایی حضور می‌یابند.

وی می‌افزاید: یکی از مسائل مهم در ارائه بلیط سینما، نحوه توزیع آن است. گاهی اوقات همکاران طرح، نقطه نظراتی دارند مبنی بر اینکه تعداد بلیطی که توزیع می‌شود متناسب با حجم متقاضیان نیست. به نظرم با توجه به پرمخاطب بودن اغلب فیلم‌ها، سیستم چرخشی هم جوابگو نیست و عده‌ای از تماشای فیلم‌های باکیفیت محروم می‌شوند. بنابراین بهتر است تمهیداتی اندیشیده شود که این تسهیلات طی ۲ یا ۳ روز در هفته تقسیم شوند تا هم از سیل مراجعه‌کنندگان کاسته شود و هم تعداد بیشتری از خانواده‌ها از تماشای فیلم لذت ببرند.

مجری طرح خطوط لوله سراسری گاز در ادامه به ضرورت افزایش گردهم‌آبی‌های خانوادگی در فصل تابستان اشاره می‌کند و می‌گوید: به اعتقاد بنده با توجه به فراغت بیشتر خانواده‌ها در فصل گرم سال، برنامه سینما حتی از ظرفیت برگزاری دو بار در ماه برخوردار است. شاید در نگاه اول حضور در سینما و تماشای دو ساعت فیلم، اقدامی آنچنان تاثیرگذار به نظر نرسد اما واقعیت آن است که گردهم‌آمدن خانواده در این مناسبت فرهنگی، تاثیراتی انکارناپذیر دارد و به ویژه کارکنانی که فرصت کمتری برای دوره‌می‌های خانوادگی دارند را منتفع می‌کند. چنین رویدادهایی علاوه بر ایجاد فرصتی برای آشنایی خانواده‌ها با یکدیگر، ارزشگذاری و توجه سیستم را در قبال زحمات کارکنان و صبوری خانواده‌ها نشان می‌دهد و مسلما خانواده‌ها نیز از احساس تعلق به مجموعه‌های قدردان، افتخار خواهند کرد.

تحکیم و ارتقای فضای فرهنگی خانواده ها



بهنام میرزایی، رییس بازرسی فنی شرکت، مزیت برنامه سینما را در این می داند که خانواده ها در رویدادی فرهنگی - تفریحی که با راهبری و برنامه ریزی شرکت خود را بخشی از خانواده بزرگ مهندسی می دانند، می گویند: گردهم آیی امروز نه تنها برای کارکنان بلکه برای فرزندان و همسران هم فرصت آشنایی ایجاد کرده و این بیانگر وجود تعهد متقابل بین پرسنل به یکدیگر و سازمان است. چنین مراسم هایی برای همه مشارکت کنندگان اعم از سازمان، کارکنان و خانواده ها منفعت دارد چه آنکه خانواده ها از نزدیک می بینند که سازمان نسبت به مهمترین گروه ذی نفعان که همان پرسنل هستند با احترام برخورد می کند. چه بسا امکان رفتن به سینما بدون هماتنگی شرکت هم برای خیلی ها فراهم باشد اما فراهم کردن امکانات از سوی سازمان در این مراسم ها برای کارکنان و خانواده ها اقدامی بسیار ارزشمند است.

وی در ادامه پیشنهاد فراهم شدن حضور کارکنان در دیگر سینماهای تهران را طرح می کند و می گویند: چون دسترسی به بلیط سینما در طرح ها محدود است نمی توان همیشه در این برنامه ها حضور داشت. اما سعی می کنم در صورت مهیا بودن شرایط حتما به همراه خانواده شرکت کنم. البته شرکت برنامه های تفریحی همچون تهران گردی را هم برگزار می کند که میزان آن خیلی کم است.

تعهد متقابل بین پرسنل و سازمان وجود دارد



بهنام میرزایی، رییس بازرسی فنی شرکت می افزاید: شرکت تاکنون برنامه های متعددی را در زمینه های فرهنگی - تفریحی به اجرا گذاشته است اما برنامه سینما به دلیل تعدد دفعات برگزاری بسیار پرجاذبه است و امیدوارم روابط عمومی با تداوم انتخاب آثار ارزشمند، منتخب و خوش ساخت، ظرافت لازم را در حفظ و ارتقای فضای فرهنگی خانواده ها به خرج دهد.

براهیم خیر آبادی از همکاران طرح ایستگاه های تقویت فشار گاز است که به همراه خانواده برای تماشای فیلم به سینما فلسطین آمده است. وی با بیان اینکه همه کارکنان شرکت خود را بخشی از خانواده بزرگ مهندسی می دانند، می گویند: گردهم آیی امروز نه تنها برای کارکنان بلکه برای فرزندان و همسران هم فرصت آشنایی ایجاد کرده و این بیانگر وجود تعهد متقابل بین پرسنل به یکدیگر و سازمان است. چنین مراسم هایی برای همه مشارکت کنندگان اعم از سازمان، کارکنان و خانواده ها منفعت دارد چه آنکه خانواده ها از نزدیک می بینند که سازمان نسبت به مهمترین گروه ذی نفعان که همان پرسنل هستند با احترام برخورد می کند. چه بسا امکان رفتن به سینما بدون هماتنگی شرکت هم برای خیلی ها فراهم باشد اما فراهم کردن امکانات از سوی سازمان در این مراسم ها برای کارکنان و خانواده ها اقدامی بسیار ارزشمند است.

وی در ادامه پیشنهاد فراهم شدن حضور کارکنان در دیگر سینماهای تهران را طرح می کند و می گویند: چون دسترسی به بلیط سینما در طرح ها محدود است نمی توان همیشه در این برنامه ها حضور داشت. اما سعی می کنم در صورت مهیا بودن شرایط حتما به همراه خانواده شرکت کنم. البته شرکت برنامه های تفریحی همچون تهران گردی را هم برگزار می کند که میزان آن خیلی کم است.

تابستان، فصل بهره مندی از رویدادهاست



حمید رنجبر از همکاران خدمات اجتماعی که به همراه خانواده در لابی سینما حضور دارد، می گویند: ضمن تشکر از روابط عمومی بابت اجرای برنامه های خانوادگی، برای اولین بار است که به سینما می آیم و امیدوارم لحظات خوبی برای بچه ها رقم بخورد.

همین که به سینما آمدم خانواده خوشحالند و من اگرچه تاکنون در چنین رویدادهایی حضور نداشتم اما تصمیم گرفته ام از این پس در مراسم ها شرکت کنم و از تاثیراتش بهره مند شوم. به ویژه در فصل تابستان که اوقات فراغت بچه هاست و فرصت خوبی برای بهره مندی از رویداد های فرهنگی و ورزشی محسوب می شود.

لحظاتی دلپذیر در آخرین روز هفته



وحید مددیان از پرسنل واحد فناوری اطلاعات و ارتباطات که به همراه همسرش در این برنامه حضور دارد ضمن تشکر از روابط عمومی برای برگزاری گردهم آیی های فرهنگی، می گویند: چنین برنامه هایی نشان دهنده توجه شرکت به پرسنل و خانواده های شان است. اجرای برنامه سینما باعث می شود اعضای خانواده لحظاتی دلپذیر را در آخرین روز هفته در کنار هم بگذرانند.

وی با تاکید بر گسترش برنامه های تفریحی می افزاید: برنامه ها نباید فقط به سینما محدود شود. برنامه برج میلاد، سفرهای گردشگری و باغ پرندگان هم بسیار عالی است. امیدوارم علاوه بر برنامه سینما که تماشای فیلم های پرطرفدار روز را برای همکاران میسر می کند تنوع و گوناگونی برنامه ها هم در دستور کار قرار گیرد.

گردش در دیار همکاران

سفر یکی از لذت‌های بزرگ زندگی و از راه‌های آشنایی با فرهنگ‌ها و اقوام مختلف، ایجاد تنوع در زندگی و کسب آسایش است. همه ساله و با فرارسیدن فصل تابستان و تعطیلی مدارس بسیاری از خانواده‌ها برای بهره‌برداری از گرم‌ترین روزهای سال برنامه‌ریزی می‌کنند. انتخاب مقصد و اقامتگاه مناسب، در نظر گرفتن علایق مسافران و هزینه‌های سفر بخشی از دغدغه‌های خانواده‌ها به شمار می‌رود. خوشبختانه چهار فصل بودن ایران انتخاب‌های متنوعی را فرآوری علاقه‌مندان گردشگری قرار می‌دهد. در مصاحبه‌های زیر تنی چند از همکاران با بازگشت به ریشه‌ها و اصالت خود، ما را برای دقایقی به دیار خود برده و حال و هوای زادگاهشان در فصل تابستان را توصیف کرده‌اند.

تجربه طعم کباب و دوغ در شب‌های خنک گلپایگان



احمدرضا نوبخت، هماهنگ‌کننده حمل و نقل شرکت مهندسی و توسعه گاز ایران متولد یکی از مناطق گلپایگان به نام قرغه بوده و تا اواسط دهه ۷۰ در این شهر تاریخی سکونت داشته است.

او در توصیف ویژگی‌های زادگاهش می‌گوید: اگر از طریق نقشه‌های هوایی شهر گلپایگان را بررسی کنید خواهید دید که درصد بسیار زیادی از خاک این منطقه از زمین‌های سرسبز کشاورزی پوشیده شده است. اراضی کشاورزی فراوان که شهر و اطرافش را پوشانده است علاوه بر زیبایی و طراوت، باعث تبادل هوا در شهر گلپایگان می‌شوند، به گونه‌ای که این شهر از خنک‌ترین و لطیف‌ترین هوا در استان اصفهان برخوردار است. ساکنان گلپایگان کمتر از کولر استفاده می‌کنند و فقط پنجره‌ها را با توری می‌پوشانند تا از ورود حشرات موذی جلوگیری کنند. نوبخت می‌افزاید: به برکت وجود مراتع و چمنزارهای فراوان در گلپایگان، این منطقه از دیرباز در صنعت گاو‌داری پیشتاز بوده و به نوعی خاستگاه کارخانه‌های تولید شیر پاستوریزه و لبنیات کشور به شمار می‌آید که بعدها صنایع شیر گلپایگان در سایر نواحی کشور توسعه و گسترش یافت. هم‌اکنون ده‌ها فرآورده لبنی در گلپایگان تولید می‌شود که بخشی نیز در بازارهای صادراتی به فروش می‌رسد.

هماهنگ‌کننده حمل و نقل شرکت مهندسی و توسعه گاز در توصیف مناطق دیدنی شهر مرزی استان‌های اصفهان و مرکزی می‌گوید: پس از عبور از پلیس راه گلپایگان به دشتی مسطح و صاف می‌رسید که در سمت چپ آن کوهی قرار دارد و بر بلندای آن مقبره صالح پیغمبر واقع شده که به مسافران فرصتی برای آرامش و نیایش می‌دهد. این منطقه سرسبز از گردشگاه‌های مذهبی گلپایگان محسوب می‌شود.

پس از آن نیز در مسیر ورود به شهر، قلعه‌ها و کفترخانه‌های بسیاری وجود دارند که می‌توان نمونه‌هایی از ریشه‌ها و اصالت‌های مردم گلپایگان در تاریخ کهن ایران را در آن مشاهده کرد. قلعه‌های تاریخی و سنگ‌نگاره‌هایی مربوط به دوران سلجوقی و هخامنشی و ارگ گوگد نیز در این مسیر وجود دارند که برای علاقه‌مندان به ابنیه تاریخی بسیار جذاب است.

او در توصیف دلایل شهرت کباب گلپایگان می‌گوید: دشت گلپایگان سراسر پوشیده از گیاهان دارویی و علوفه ناب است و دام‌هایی که از این سبزی‌ها به عنوان خوراک استفاده می‌کنند گوشتی بسیار لذیذ و شیرینی مرغوب دارند. به برکت حاصلخیزی منطقه و وجود مراتع سرسبز، شیر و کباب گلپایگان در سراسر ایران معروف شده‌اند و اکنون شعبه‌های فراوانی در سراسر ایران تحت نام کباب گلپایگان مشغول به کار شده‌اند. علاوه بر خوراکی‌های خوش طعم باید از اخلاق مردم گلپایگان نیز یاد کنیم که بسیار خونگرم و شوخ طبع بوده و به دنبال یاری رساندن و شاد کردن دیگران هستند. همشهریانم در صحبت‌های روزمره و از آوازه‌های فارسی اصیل استفاده می‌کنند و بسیار ساده و بی‌آلایش هستند. امیدوارم دوستان به دیار ما تشریف بیاورند و از صرف کباب و نوشیدن دوغ گلپایگان لذت ببرند.

اکسیژن ناب و غذای طبیعی در دامنه سبلان



حسن داننده از همکاران امور خدمات اداری و اجتماعی متولد روستای کلی در شمال اردبیل بوده و اقلیم طبیعی و کوهستانی دامنه سبلان را مقصدی فوق‌العاده برای مسافرت‌های تابستانی توصیف می‌کند.

وی می‌گوید: پس از عبور از آستارا در استان گیلان به گردنه حیران با زیبایی‌های خیره‌کننده‌اش می‌رسی. زیبایی این گردنه در ورودی شهر اردبیل هر بیننده‌ای را به حیرت واد می‌دارد. انگار که سرسبزی این منطقه با لایه‌ای از مه پوشیده شده و تو روی ابرها حرکت می‌کنی. در ادامه حرکت به سوی اردبیل و پس از عبور از تونل، در سمت راست شهر توریستی نمین با مردمان خونگرم و چشم‌اندازهای دیدنی در انتظار گردشگران است. مسیر سمت چپ تونل هم به جنگل فندقلو، سرزمین بابونه‌های بهشتی ختم می‌شود. مکانی که به دلیل برخورداری از درختان فندق و گونه‌های گیاهی بلوط، بیدمشک، راش و بابونه هر ساله پذیرای خیل عظیم توریست‌های عاشق طبیعت است. در ادامه به شهر تاریخی اردبیل می‌رسی که بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در مرکز آن واقع شده و چشم‌های علاقه‌مندان به بناهای قدیمی را می‌نوازد.

داننده با بیان اینکه پس از عبور از اردبیل به سرعین، «مهد چشمه‌های آبگرم ایران» خواهید رسید، می‌افزاید: آب‌های معدنی سرعین شگادهنده بوده و بسیاری از استفاده‌کنندگان تأثیرات عملی آن در معالجه امراض گوناگون از جمله بیماری‌های مفصلی و پوستی را تجربه کرده‌اند. البته چشمه‌های آبگرم تنها منحصر به سرعین نیست چرا که مشکین شهر دیگر شهری است که در دامنه سبلان واقع شده و علاوه بر آبگرم‌های فراوان، بزرگ‌ترین پل معلق خاورمیانه را با چشم‌اندازی تماشایی در خود جای داده است.

کارشناس امور خدمات اداری و اجتماعی در ادامه از دشت مغان به عنوان سرزمین تاریخ و طبیعت نام می‌برد و می‌گوید: دشت مغان با هوایی خنک و جاذبه‌های طبیعی بکر از بهترین مقاصد تابستانی است و تماشای زندگی عشایری، جنگل‌های کنار رود ارس، مراتع سرسبز و گله‌های پر تعداد گوسفند و صدها غذای سالم، طبیعی و خوش طعم خاطرات ماندگاری را رقم می‌زند. نه تنها در دشت مغان بلکه در سراسر استان اردبیل به دلیل حاصلخیزی زمین و رونق کشاورزی و دامپروری می‌توان انواع خوراک‌های محلی را با بهترین کیفیت و کمترین هزینه میل کرد. خوراک‌های اردبیلی مطمئناً آنچه تاکنون نوش جان کرده‌اید متفاوت‌اند و همشهری‌های ما حرف‌های زیادی درباره آش دوغ، سرشیر و فتیر دارند. مردمی ساده و بی‌ریا که بسیار مهمان‌دوست بوده و اگر اهل دیزی باشید احتمالاً لذیذترین دیزی عمرتان را در اردبیل خواهید چشید.

او هزینه نسبتاً پایین اقامت در اردبیل را یکی دیگر از مزیت‌های سفر به این شهر توصیف می‌کند و می‌گوید: هزینه اقامت در استان اردبیل به نسبت سایر شهرها و استان‌های توریستی کشور مقداری کمتر است و علاوه بر هتل‌های متعدد، مهمان‌پذیرهای بسیاری نیز در شهرهای مختلف با هزینه‌های پایین وجود دارند که سفر شما را کم‌هزینه می‌کنند. بنابراین تلفیق آب و هوای سالم، خوراکی خوش طعم و طبیعت بکر جای شکی در انتخاب اردبیل برای سفرهای تابستانی باقی نمی‌گذارد.

از شقایق‌های وحشی تا ییلاق و آبشار در جاده اسالم به خلخال



مجتبی رشیدی از همکاران تحلیل سیستم‌ها متولد شهرستان خلخال بوده و اصلتش به منطقه کلور این ناحیه کوهستانی بر می‌گردد. او با بیان اینکه برای رسیدن به خلخال باید از مسیرهای جاده گردشگری اسالم به خلخال عبور کرد، می‌گوید: جاده گردشگری اسالم به خلخال که استان گیلان را به استان اردبیل پیوند می‌دهد به دلیل برخورداری از طبیعت بکر، زیبایی‌های وحشی جنگلی، وجود آبشار و دریاچه و دشت‌های گل به عنوان رویایی‌ترین جاده جنگلی کشور شناخته می‌شود. این جاده به دلیل قرار گرفتن در ارتفاعات حتی در فصل تابستان هم از هوای سرد و خنک برخوردار است و کلبه‌های چوبی روستاییان، دره‌های پوشیده از مه، درختان بلند و چشم‌انداز ییلاق در کل مسیر قاب‌نگاه را پر می‌کنند. کارشناس تحلیل سیستم‌ها در توصیف دیگر جاذبه‌های جاده اسالم به خلخال چنین می‌گوید: جنگل و ساحل گیسوم در استان گیلان از زیباترین جاذبه‌های این مسیر به شمار می‌آیند و پس از عبور از آن و نیز جنگل اسالم و پیچ و خم‌هایش در ارتفاعات به گردنه اسالم می‌رسید. جایی که در اردیبهشت و خرداد پوشیده از شقایق‌های وحشی است و منظره‌ای دل‌فریب و هوایی لطیف دارد. پس از آن به شهر کلور می‌رسید که در ۳۰ کیلومتری جنوب شهرستان خلخال واقع شده که یکی از خوش‌آب و هوا ترین مناطق ایران است. کلور در ارتفاع ۱۵۵۰ متری سطح دریا قرار داشته و به عنوان جنوبی‌ترین شهر استان اردبیل، غروب‌ها و شب‌ها هوایی بسیار سرد و خنک دارد.

رشیدی در ادامه از امامزاده عبدالله به عنوان یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های زادگاهش نام می‌برد و می‌گوید: هر ساله توریست‌های بسیاری از شهرهای همجوار برای زیارت به امامزاده عبدالله می‌آیند. رودخانه شاهرود که بسیار پرآب است و از قزل‌اوزن سرچشمه می‌گیرد از کنار بنای امامزاده عبور می‌کند. ضمن آنکه این رودخانه باغات مناطق اطرافش را سیراب کرده و باعث رونق اقتصاد، کشاورزی و سرسبزی شده است.

وی در ادامه از چشمه‌های پلنگا، جیگیزاب، ورازشت، آبشار سجن و مسجد تاریخی دار مجد، کوه‌های البان به عنوان سایر جاذبه‌های زادگاهش نام می‌برد و می‌افزاید: ناحیه کلور اقامتگاه به شکل هتل و مسافرخانه‌های مرسوم ندارد و به علت ناشناخته بودن منطقه، سرمایه‌گذاری خاصی تاکنون در این زمینه انجام نشده است. ولی همین موضوع خود یک نوع مزیت محسوب می‌شود چرا که طبیعت کلور بکر و دست‌نخورده مانده و از گزند ویلاسازی‌های بی‌رویه مصون بوده است. حتی در فصل تابستان هوا در کلور به شدت خنک است و خانه‌هایی که از وسایل سرمایشی استفاده می‌کنند به زحمت به ۱۰ واحد می‌رسند. اساساً در شهر ما واژه «کولر» بی‌معناست و مردم حتی در فصل تابستان از بخاری استفاده می‌کنند. غذاهای محلی ما هم تلفیقی از خوراک‌های شمالی مانند سیراویج و میرزا قاسمی است و نان‌های محلی چایی چورک و زرین نان هم از دیگر محصولات این دیار است.

کارشناس تحلیل سیستم‌ها درباره جاذبه‌های گردشگری شهر خلخال توضیح می‌دهد: خلخال در ۱۲۰ کیلومتری اردبیل واقع شده و قسمت اعظم بافت جنگلی استان در آن قرار دارد. منطقه گردشگری ازناو در جنوب این شهر با چشمه‌های آب‌گوارا و خنک، رودخانه و باغ‌های زیبا گردشگران زیادی را به خود جلب می‌کند و قلعه خشتی گیولان نیز از بناهای قدیمی شهر محسوب می‌شود که از خشت و سنگ ساخته شده است. روستای گردشگری کرج که در دامنه کوه واقع شده و به رودخانه قزل‌اوزن مشرف است از دیگر جاذبه‌های خلخال است که اهالی اش به دامداری و کشاورزی اشتغال دارند. آبشار نره‌گر که به شهر ما کلور هم بسیار نزدیک است چشم‌اندازی زیبا دارد و در میان باغ‌ها و درختان گردو احاطه شده است.

منت‌های آرامش در طبیعت سحرانگیز دیلمان



سیاوش علی‌پور، کارمند دفتری طرح ششم، متولد شهر لاهیجان در شرق استان گیلان بوده و دوران کودکی و نوجوانی را در روستای دهسر منطقه پاسکیاگوراب این دیار گذرانده است.

او می‌گوید: شهر لاهیجان به دلیل زیبایی‌های بی‌نظیر به «عروس گیلان» معروف شده است و مناطق سیاهکل و دیلمان در بلندی‌های شرق گیلان برای افرادی که از ترافیک و آلودگی صوتی، محیطی و دغدغه‌های زندگی در شهرهای بزرگ خسته شده‌اند لحظاتی سرشار از آرامش ناب را رقم می‌زند. دیلمان از معدود مناطق کوهستانی-جنگلی شمال محسوب می‌شود که هنوز طبیعتی بکر دارد و از گزند ساخت و سازهای بی‌رویه، ویلا و برج‌های بدقواره سیمانی در امان مانده است.

در اوج گرمای تابستان می‌توان خنکای هوای مه‌آلود کوهستانی را در دیلمان تجربه و با تنفسی عمیق و لذت‌بخش ریه‌های دود گرفته را با اکسیژن خالص پر کرد.

علی‌پور می‌افزاید: اگرچه منطقه دیلمان تنها ۳۰ کیلومتر با شهر لاهیجان فاصله دارد اما به دلیل قرار گرفتن در ارتفاع، اغلب ساعات روز از مه پوشیده شده است.

کوه‌های دیلمان بسیار ممتد و طولانی است که پس از عبور از آن می‌توان به منطقه رحیم‌آباد رودسر رسید که خود بس‌زیبا و شگفت‌انگیز بوده و با چشم‌اندازهای بی‌نظیر از مهمانان دلبری می‌کند.

کارمند دفتری طرح ششم در ادامه به تمدن کهن دیلمان اشاره می‌کند و می‌گوید: جاذبه‌های توریستی دیلمان تنها به آبشار، کوهستان و چشمه‌های آب سرد محدود نمی‌شود بلکه این قوم میراث‌دار یکی از دیرپاترین تمدن‌های تاریخی به شمار می‌آید. آثار باستانی کشف شده نیز مهر تایید بر وجود تمدنی سحرانگیز در اعماق تاریخ در این سرزمین کوهستانی می‌زند.

وی درباره ویژگی‌های زادگاهش «لاهیجان» چنین می‌گوید: لاهیجان با برخورداری از باغ‌های چای، بام‌سبز و تله‌کابین، مقبره کاشف‌السلطنه بنیان‌گذار صنعت چای ایران و استخر چشم‌نوازش از مهم‌ترین تفرجگاه‌های استان گیلان به شمار می‌آید. ضمن آنکه ساحل چمخاله لنگرود و شهر برنج و بادام آستانه هم در مجاورت آن قرار دارند.

البته برای آرامش، نیایش و همچنین لذت بردن از معماری یک بنای تاریخی، بقعه «شیخ زاهد گیلانی» یک پیشنهاد ویژه محسوب می‌شود. مقبره ابن عارف بزرگ در جاده لاهیجان به لنگرود و بر دامنه کوه و در میان مزارع سبزی‌چای واقع شده است. مسیر زیبایی که به گنبد فیروزه‌ای رنگ این بنا منتهی می‌شود با جاذبه‌هایی دیدنی همچون مزارع برنج، جنگل و رودخانه احاطه شده است.

علی‌پور در پایان می‌گوید: مناظر دیدنی زادگاهم گیلان در یک گفت‌وگو قابل توصیف نیست؛ امیدوارم دوستان به این دیار سرسبز تشریف بیاورند و از نزدیک از استنشام عطر برنج و چای، صرف غذاهای محلی و سخاوت و مهمان‌نوازی سرزمین باران لذت ببرند.

شناور پریلود؛ ستاره درخشان صنعت ال ان جی

آنها را از بین می برد. کاهش غیرقابل پیش بینی بهای ال ان جی در سه سال اخیر باعث شده تا رویاهای حامیان این شناورها، نقش بر آب شود. در برنامه نخست توسعه میدان سانتوس برزیل سفارش گذاری یک اف ال ان جی پیش بینی شده بود اما مدیران پروژه در نظر دارند گاز تولیدی را با خط لوله روانه خشکی کنند.

در آب های کامرون، شرکت «کیپل آفشوراندمنارین» با تغییر کاربری یک شناور حمل ال ان جی به اف ال ان جی توانسته است با هزینه ای قابل قبول، راه تولید ال ان جی روی دریا را هموار کند. چینی ها نیز که خواهان تامین تقاضای فزاینده خود به ال ان جی هستند، ۷ میلیارد دلار به ساخت دو فروند اف ال ان جی برای استقرار در آب های شرق و غرب آفریقا در نظر گرفته اند.

کارشناسان بازار معتقدند با بهبود قیمت ال ان جی، شاهد بازگشت رونق به بازار این شناورها خواهیم بود. در سال های آینده، دنیای ما به انرژی بیشتری نیاز دارد. دنیای ما به سوخت های پاک تر، قابل اعتمادتر و در دسترس تر نیاز دارد و ال ان جی یک گزینه مناسب به شمار می رود.

منبع: Oilvoice

مترجم: محسن داوری

در مناطق مختلف دنیا در حال ساخت است. شرکت پتروناس مالزی از حامیان این فناوری به شمار می رود. قطری ها در دو دهه گذشته رهبر بازار ال ان جی بودند و پس از یک دهه توقف عملیات توسعه و تمرکز بر تولید پایدار، اجرای طرح توسعه میدان «رأس لفان» را آغاز کرده اند. آمریکایی ها هم در سایه انقلاب شیل، گازهای مازاد خود را به ال ان جی تبدیل کرده و بازیگر جدید بازار محسوب می شوند.

در آوریل (فروردین) امسال، شناور تولید ال ان جی پتروناس با نام پی اف ال ان جی «ساتو» که در آب های میدان کانوویت مالزی لنگر انداخته، نخستین محموله ال ان جی خود را صادر کرد. ظرفیت این کشتی ۲/۱ میلیون تن و نسبت به پریلود هزینه تمام شده و تاخیر در ساخت آن، کمتر بوده و پتروناس در مجموع ۱۰ میلیارد دلار برای ساخت این شناور اف ال ان جی پرداخت کرده است. دومین شناور اف ال ان جی مالزیایی ها، پی اف ال ان جی «دوا» نام دارد و سال ۲۰۲۰ میلادی، رهسپار جنوب دریای چین می شود. در مجموع، تعداد پروژه های ساخت این شناورها در دنیا محدود است.

هزینه های بالای ساخت این شناورها در بسیاری از موارد مزیت انعطاف پذیری

ساخت آن با تاخیر و افزایش هزینه ها همراه بود و سال ۲۰۱۲ میلادی، هزینه ساخت پریلود توسط شل و شرکای آنان شامل اینیکس، کوگس و سی پی سی ۸/۱۰ تا ۶/۱۲ میلیارد دلار پیش بینی شده بود اما دو سال بعد، هزینه های ساخت آن از مرز ۸۵/۱۷ میلیارد دلار فراتر رفت. براساس اعلام مدیران پروژه، سال ۲۰۱۸ میلادی، شاهد تولید ال ان جی در این شناور خواهیم بود. به هر ترتیب، بازار ال ان جی کنونی با بازار سال ۲۰۱۱ میلادی و زمان آغاز ساخت آن، تفاوت های زیادی دارد. عرضه ال ان جی از تقاضای این محصول سبقت گرفته و قیمت آن حدود ۳۰۰ درصد کاهش یافته است. امروزه قیمت هر میلیون بی تی یو ال ان جی در آسیا ۵ دلار است در حالی که تابستان سال ۲۰۱۲ میلادی، نرخ مشابه ۱۵ دلار بود. از سوی دیگر، با راه اندازی چند طرح جدید در استرالیا، کانادا و ایالات متحده، ممکن است باز هم شاهد سقوط قیمت ها باشیم. بسیاری معتقدند پریلود را باید یک بازی بزرگ دانست. این تاسیسات عظیم ساخته شده روی عرشه شناور، از مزیت انعطاف پذیری برخوردارند، به این ترتیب آنها می توانند در هر جایی که گاز وجود دارد، توقف و شروع به تولید کنند.

هم اکنون چند شناور اف ال ان جی

چندی پیش، یک کشتی غول پیکر در سازند بروس در ۴۷۵ کیلومتری ساحل بروم در شرق استرالیا لنگر انداخت. این کشتی ۱۶ لنگر دارد و در محدوده میدان های پریلود و کانسترتو قرار گرفته و گاز تولید شده از این دو میدان را پس از تصفیه، پالایش و به ال ان جی تبدیل می کند. این گازهای مایع شده، سپس به تانکرهای انتقال ال ان جی منتقل می شوند تا رهسپار پایانه های سراسر دنیا شوند.

شناور پریلود شرکت شل، بزرگ ترین شناور اف ال ان جی دنیاست و تکمیل آن آغاز عصری جدید در صنعت ال ان جی خواهد بود. پس از پایان عملیات ساخت آن در یارد کشتی سازی سامسونگ در شهر گوئیجه کره جنوبی، این شناور در سفری که بیش از یک ماه به طول انجامید، به مقصد رسید. پریلود ۴۸۸ متر طول و ۷۴ متر عرض دارد و در ساخت آن ۲۶۰ هزار تن فولاد استفاده شده است. ظرفیت ذخیره ال ان جی آن ۶/۳ میلیون تن و از امکان ذخیره سازی ۲/۱ میلیون تن میعانات گازی و ۴۰۰ هزار تن ال پی جی برخوردار است. این شناور غول پیکر را باید رقیب واحدهای ال ان جی خشکی دانست.

ساخت این کشتی سال ۲۰۱۱ میلادی و در دوره اوج قیمت ال ان جی آغاز شد.





www.nigceng.ir